



دوماهنامه بین‌المللی

۱۲، ش ۴ (پیاپی ۶۴) مهر و آبان ۱۴۰۰، صص ۵۳۱-۵۶۴

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23223081.1400.12.4.2.4

نمونه‌پژوهی ترجمه مفاهیم حقوقی ایران با تکیه بر زبان‌شناسی حقوقی ژنو

فرناز ساسانی^{۱*}، هدیه نصیری^۲

۱. استادیار گروه مترجمی زبان فرانسه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۶

چکیده

ترجمه‌شناسی حقوقی از موضوعات معاصر و نوپا در مطالعات ترجمه است و یکی از مباحث مطرح در این حوزه بررسی شیوه معادل‌گزینی حقوقی در زبان مقصد است. ترجمه‌شناسی حقوقی با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی ژنو به این پرسش پاسخ داده است. مسائل طرح‌شده در پژوهش حاضر آن است که قواعد نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو چیست و این قواعد تا چه میزان در ترجمه مفاهیم حقوقی ایران به زبان حقوقی فرانسه پیاده‌سازی شده‌اند؟ راهکار نظریه زبان‌شناسی ژنو برای یک مترجم حقوقی چیست و به چه شیوه‌ای باید معادل‌گزینی کند؟ در ابتدا به مطالعه توصیفی نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو از نظر ژان کلود ژمار (نظریه‌پرداز اصلی) می‌پردازیم؛ سپس کاربردپذیری راهکارهای ارائه‌شده در این نظریه را در ترجمه مفاهیم حقوقی ایران به زبان حقوقی فرانسه مورد مطالعه موردی قرار خواهیم داد. بیکره اصلی مقاله مفاهیم حقوقی تقنینی نکاح و طلاق برگرفته از کتاب هفتم از جلد دوم قانون مدنی ایران است. قاعده اصلی این نظریه لزوم استفاده از معادل کارکردی است. هدف از انجام این تحقیق ارزیابی نحوه معادل‌گزینی کارکردی مفاهیم حقوقی ایران در زبان حقوقی فرانسه باتوجه به قواعد مطرح‌شده در نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو از طریق یک مطالعه موردی است. می‌خواهیم بررسی کنیم معادل‌هایی که انتخاب شده‌اند در زبان فرانسه چه درجه‌ای از کارکرد و اثر حقوقی مفهوم موردنظر در حقوق ایران را منعکس می‌کنند و به تعبیری در زمان انتقال مفهوم، کارکرد دچار چه درجه از تغییر می‌شود؛ دلیل این تغییر کارکرد چیست؛ چه عواملی در این تغییر اثرگذار هستند؛ مطالعه حقوق تطبیقی تا چه حد در آگاهی‌بخشی مترجم نسبت به عوامل ایجادکننده این تغییرات مؤثر است و آیا انتقال و ترجمه مفهوم حقوقی ایران به یک زبان و به یک نظام

حقوقی دیگر مثل فرانسه می‌تواند بدون تغییر کارکرد صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی، مفاهیم حقوقی، حقوق تطبیقی، معادل کارکردی، معادل پویا.

۱. مقدمه و طرح مسئله

ترجمه حقوقی یکی از زیرشاخه‌های گرایش «ترجمه برای مقاصد خاص حرفه‌ای» است. ترجمه حقوقی قلمرو گسترده‌ای دارد و ترجمه هر متن حقوقی اعم از قوانین، احکام قضائی، اجرائیه، صورتجلسه دادگاه، اسناد قراردادی و دکترین حقوقی را دربر می‌گیرد. ترجمه حقوقی دارای عناصر زبان‌شناسی، اجتماعی، فرهنگی، روش، اسلوب و مبانی نظری است و این ملاک‌ها موجب تمایز این‌گونه ترجمه از سایر ترجمه‌های تخصصی شده است. زمانی که متن حقوقی به زبان دیگری ترجمه می‌شود با تغییرات زیادی روبه‌رو خواهد شد و این امر به دلیل عدم تقارن فرهنگی موجود بین دو زبان حقوقی مبدأ و مقصد است (Gémar, 2003, p.231). نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو از جمله نظریاتی است که ترجمه‌های حقوقی به زبان فرانسه یا از زبان فرانسه را موردتخلیل قرار می‌دهد. حقوق ایران نیز به دلیل قرابت‌های ساختاری با حقوق فرانسه می‌تواند یکی از نمونه‌های پژوهشی مناسب برای ارزیابی کاربردپذیری این نظریه باشد. مسائل طرح‌شده در پژوهش حاضر آن است که قواعد نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو چیست و این قواعد تا چه میزان در ترجمه مفاهیم حقوقی ایران به زبان حقوقی فرانسه پیاده‌سازی شده‌اند؟ قواعد مختلفی در این نظریه مطرح شده است. یکی از قواعد مهم این نظریه ظرفیت درجه‌بندی‌شده معادل‌گزینی است، پیاده‌سازی این قاعده مستلزم آگاهی به عناصر فرهنگی، تاریخی و ساختاری نظام حقوقی مقصد و تفاوت آن با نظام حقوقی مبدأ است؛ لذا توجه به این عناصر در ترجمه‌هایی که از مفاهیم حقوقی ایران به زبان فرانسه شده است باید مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. یکی از مسائل مهمی که در ترجمه حقوقی مطرح می‌شود عدم تطابق بین معادل زبانی و معادل حقوقی است. مترجم به دنبال معادل زبانی است (توسل به صورت زبانی) و حقوقدان در ۶ معادل حقوقی است (توسل به مفهوم حقوقی). راهکار نظریه زبان‌شناسی ژنو برای یک مترجم حقوقی چیست و به چه شیوه‌ای باید معادل‌گزینی کند؟ پاسخ

به این مسائل از طریق توصیف نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو و سپس مطالعه موردی ترجمه برخی مفاهیم حقوقی قانون مدنی ایران در مبحث نکاح و طلاق (کتاب هفتم از جلد دوم قانون مدنی ایران) به زبان فرانسه انجام خواهد گرفت. گفتنی است قانون مدنی ایران مصوب سال ۱۳۰۷ ش از اسناد ملی برجسته ایران است که اساسی‌ترین قواعد حقوقی حاکم بر ارتباطات اشخاص با یکدیگر را بیان می‌کند؛ این قانون بر فقه شیعه استوار شده و قواعد فقهی با قانون مدنی فرانسه (اقتباس دویست ماده از کد ناپلئون) به خوبی تلفیق شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، صص. ۵۰-۱۵۰). نحوه معادل‌گزینی مفاهیمی خاص از این بخش از قانون مدنی ایران را با مراجعه به کتاب *ترمینولوژی حقوق تألیف محمدجعفر جعفری لنگرودی به‌منزله منبع موثق* و *واژه‌شناسی حقوقی ایران* و نیز با رجوع به سایر منابع معتبر حقوقی مورد مطالعه و ارزیابی قرار خواهیم داد. قاعده اصلی نظریه ژنو لزوم به‌کارگیری معادل کارکردی است. هدف از انجام این تحقیق ارزیابی نحوه معادل‌گزینی کارکردی مفاهیم حقوقی ایران در زبان حقوقی فرانسه با توجه به قواعد مطرح‌شده در نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو از طریق مطالعه‌ای موردی است. می‌خواهیم بررسی کنیم معادل‌هایی که انتخاب شده‌اند در زبان فرانسه چه درجه‌ای از کارکرد و اثر حقوقی مفهوم موردنظر در حقوق ایران را منعکس می‌کنند و به تعبیری در زمان انتقال مفهوم، کارکرد دچار چه درجه از تغییر می‌شود؛ دلیل این تغییر کارکرد چیست؛ چه عواملی در این تغییر اثرگذار هستند؛ مطالعه حقوق تطبیقی تا چه حد در آگاهی بخشی مترجم نسبت به عوامل ایجادکننده این تغییرات مؤثر است و آیا انتقال و ترجمه مفهوم حقوقی ایران به یک زبان و به یک نظام حقوقی دیگر مثل فرانسه می‌تواند بدون تغییر کارکرد صورت گیرد.

۲. پیشینه و ادبیات پژوهش

در حوزه زبان‌شناسی حقوقی، *ترمینولوژی حقوقی* و ترجمه حقوقی به زبان فرانسه، ژان کلود ژمار^۲ استاد بازنشسته دانشگاه مونترآل و استاد افتخاری دانشگاه ژنو و سردبیر سابق مجله *میتا*^۳ (۱۹۸۱-۱۹۹۵) شاخص‌ترین نظریه‌پرداز است که بیشترین آثار پژوهشی و مقالات را در این زمینه به رشته نگارش درآورده است. برای مثال کتاب *زبان حقوق و ترجمه: مجموعه مقالاتی در باب زبان‌شناسی حقوقی*^۴ (۱۹۸۲)، کتاب *زبان‌شناسی حقوقی تطبیقی زبان حقوقی*^۵

(۲۰۱۲)، کتاب ترجمه یا هنر تفسیر کردن^۱ (۲۰۰۰) و مقالات متعددی چون «ترجمه حقوق یا زبان دوگانه الهه تمیس»^۲ (۲۰۰۷) یا «از ترجمه حقوقی تا زبان‌شناسی حقوقی، وظایف پیش‌گسترانه ترجمه‌شناس»^۳ (۲۰۰۵)، مقاله «زبان‌شناسی حقوقی: میان زبان‌ها و حقوق‌ها» (۲۰۰۵)، مقاله «از ترجمه حقوقی تا زبان‌شناسی حقوقی: در جست‌وجوی معادل» (۲۰۱۵)، مقاله «تحلیل زبان‌شناسی حقوقی در ترجمه، تمرین حقوق تطبیقی» (۲۰۱۹) را می‌توان نام برد. کلود بوکه^۴ عضو دیگر حلقه زبان‌شناسی حقوقی ژنو از جمله پژوهشگران فرانسوی است که در زمینه ترجمه حقوقی کتب و مقالاتی نوشته است که معروف‌ترین آن کتاب ترجمه حقوقی: بنیان و روش‌ها^۵ (۲۰۰۸) است. در حوزه ترمینولوژی حقوقی ایران نیز بزرگ‌ترین لفظ‌شناس و محقق، محمدجعفر جعفری لنگرودی فقیه، فیلسوف و حقوقدان ایرانی است که شهرت ایشان در ایجاد دایره‌المعارف‌ها و ترمینولوژی‌های حقوق مانند کتاب‌های ترمینولوژی حقوق، مبسوط در ترمینولوژی حقوق در ۵ جلد، دایره‌المعارف عمومی حقوق: الفارق در ۵ جلد، فرهنگ عناصرشناسی حقوق مدنی و حقوق جزا، فیلولوژی، دانشنامه حقوقی در ۵ جلد، دایره‌المعارف علوم اسلامی، قضائی در دو جلد، و سبیط در ترمینولوژی حقوق است. در تحقیق حاضر نیز به آثار ایشان برای معرفی نحوه برگردان و انتخاب معادل مفاهیم حقوقی خانواده ایران به زبان فرانسه استناد شده است. ضرورت انجام این تحقیق اولاً آن است که لازم است یک ارزیابی و پژوهش موردی درمورد نحوه اجرای این نظریه در ترجمه مفاهیم حقوقی فارسی به فرانسه انجام شود، زیرا تاکنون چنین مطالعه‌ای انجام نگرفته است و این امر می‌تواند فتح بابی برای سایر ارزیابی‌های مشابه باشد. ضرورت دوم آگاهی‌بخشی است: با انجام این تحقیق اهمیت انجام مطالعه تطبیقی حقوق برای مترجم حقوقی روشن می‌شود، زیرا معادل‌گزینی در این نظریه صرفاً انتخاب ترم Terme و رجوع به ترمینولوژی نیست، بلکه معادل باید کارکردی باشد یعنی اثر حقوقی برابر داشته باشد؛ پس توجه به عناصر ساختاری، فرهنگی و تاریخی و قرابت یا دوری دو نظام حقوقی دخیل و مطالعه تطبیقی آن‌ها برای تشخیص اثر حقوقی معادل اهمیت دارند. کارکرد معادل، امری سیال و درحال تغییر است (کارکرد با اصلاح قانون یا وضع قوانین جدید تغییر می‌کند) و مترجم باید از درجه کارکرد معادلی که امروز انتخاب می‌کند آگاه باشد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

نظریه‌ای که اساس پژوهش ما را تشکیل می‌دهد نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو است که برگرفته از نظریه زبان‌شناسی ارتباطی «محصول‌محور»^{۱۱} است. نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو رویکردی بینارشته‌ای در حوزه حقوق، زبان و ترجمه است که به مطالعه نقش زبان در نوشتار حقوقی به‌ویژه نقش «معادل‌های کارکردی»^{۱۲} در ترجمه حقوقی می‌پردازد. هدف این نظریه ترغیب مترجمان حقوقی به انتخاب معادل‌های کارکردی منطبق با فرهنگ و نظام حقوقی مقصد است. تبیین این نظریه از طریق مطالعه موردی متون حقوقی ترجمه‌شده متعلق به نظام‌های حقوقی مختلف و بررسی نحوه معادل‌گزینی مفاهیم آن‌ها امکان‌پذیر است. پژوهش در حوزه مطالعات ترجمه و زبان‌شناسی حقوقی موضوعی نوپا محسوب می‌شود که در ایران این موضوع مطالعاتی، به دلیل عدم تسلط کافی مترجمان غیرحقوقدان یا حقوقدانان غیرمسلط به ترجمه بر نظام حقوقی ایران و نیز اصول و قواعد حقوقی حاکم بر نظام‌های حقوقی غربی که مستلزم انجام مطالعات عمیق و وسیع در زمینه حقوق تطبیقی است موردتوجه جدی قرار نگرفته است.

۴. تبیین نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو

الف) ترجمه‌شناسی زبان‌شناختی - ارتباطی محصول‌محور

یکی از پایه‌گذاران اصلی نظریه ژنو (ترجمه‌شناسی با رویکرد زبان‌شناسی ارتباطی^{۱۳})، ادموند کاری^{۱۴} (۱۹۱۲-۱۹۶۶ روس‌تبار) نظریه‌پرداز فرانسوی است، علاوه بر نظریه‌پردازی در حوزه تاریخ ترجمه، ادموند کاری نظریه‌ای خاص در باب ترجمه مطرح کرد با نام «تئوری ارتباطی محصول‌محور»^{۱۵}. در نگاه ادموند کاری ترجمه رشته‌ای ارتباطی و هنر است، نه علم. لذا وی با مخالفت با نظریه زبان‌شناسان که ترجمه را علم می‌انگاشتند تئوری خود را از نظریه‌های رایج زبان‌شناسی که در باب ترجمه مطرح شده بود جدا ساخت (Bocquet, 2008, p.77). به نظر ادموندکاری «یک نوع ترجمه وجود ندارد، بلکه ژانرهای ترجمه وجود دارند، هر ژانر (گونه‌های ترجمه مثل ترجمه حقوقی، ترجمه ادبی) قواعد مخصوص به خود دارد. ترجمه مقاله‌ای ژورنالیستی با ترجمه نمایشنامه متفاوت است. بافت زبانی^{۱۶} صرفاً یک ماده خام برای ترجمه

است. آن بافتی که از همه پیچیده‌تر است، بافت روابط بین دو فرهنگ زبانی، بافت روابط بین دو جهان فکری و ادراکی است که نوع ترجمه را تعیین می‌کند» (Cary, 1985, p.18). بدین ترتیب ادموند کاری ترجمه را به سمت تخصصی شدن سوق می‌دهد. به علاوه کاری معتقد است ترجمه باید با توجه به بافت تاریخی متن مبدأ و با روش در زمانی (دیاکرونیک) انجام شود (ibid, p.19). ترجمه صرفاً یک عمل زبان‌شناسی ک نیست که فروکاسته شود به تحلیل علمی مشکلات لغوی (لکزیک)، مورفولوژیک و نحوی. ادموند کاری برای رهایی ترجمه از انقیاد کامل زبان‌شناسی استناد می‌کند به اینکه خود زبان‌شناسان تمایل دارند که از مفاهیم صوری تصلبی گذشته جدا شوند تا زبان را به منزله حقیقتی وابسته به بافت فرهنگی درک کنند (ibid, p.21). پس از ادموند کاری زبان‌شناسان دیگری خارج از نظریه ژنو این نظریه را بسط دادند از جمله یوجین نایدا^{۱۸} (۱۹۱۴-۲۰۱۱) که در کتاب *علم به سوی علم ترجمه*^{۱۸} دو مفهوم بنیادین معادل صوری^{۱۹} (فرمال) و معادل پویا^{۲۰} (دینامیک) را مطرح کرد، در ترجمه صوری مترجم واژه‌ها به همان صورت به زبان مقصد برمی‌گرداند و ترجمه واژه، همان قالب صوری و دستوری خود را حفظ می‌کند، اما در ترجمه پویا برخلاف نوع اول بیشتر بر مبنای مخاطب پیام، ترجمه صورت می‌گیرد و قالب متن مبدأ آنچنان حفظ نمی‌شود. در معادل پویا پیروی و تطابق با زبان فرود دریافت‌کننده و فرهنگ به منزله یک کل مدنظر قرار می‌گیرد؛ بدین ترتیب ترجمه پویا سه مرحله را طی می‌کند: تحلیل^{۲۱}، انتقال^{۲۲} و بازسازی^{۲۳} (Nida & Taber, 1982, p.200). مترجم با تحلیل معنایی و دستوری متن، پیام را استخراج می‌کند، در مرحله انتقال در ذهن خود به زبان مقصد برمی‌گرداند و در مرحله نهایی پیام را در زبان مقصد به نحوی که قابل فهم باشد، بازسازی می‌کند.

از دیدگاه نایدا باید از متن مبدأ رفع ابهام کرد و این امر میسر نیست جز از طریق گشتارزدایی؛ یعنی تفسیر متن از طریق تقطیع متن به جملات پایه‌ای، ساده، گشتار زدوده و نمایان کردن عناصر ضمنی متن (ibid, p.39). از نظر وی مترجم دینامیک وفادارتر از مترجم صوری عمل می‌کند، زیرا با توضیحاتی که به ترجمه می‌افزاید و حذف و تغییراتی که می‌دهد به تعبیری با بسط کلام باعث می‌شود اطلاعات بیشتری به مخاطب منتقل شود. در آثار متأخر، نایدا عبارت معادل‌های کارکردی را به جای معادل پویا به کار برده است تا ارتباط آن را با

فرهنگ بیشتر نشان دهد. در معادل کارکردی هدف مترجم آن است که عناصر زبانی، غیرزبانی و فرهنگی زبان مبدأ را چنان منتقل سازد که در زبان و فرهنگ مقصد همان کارکرد، نقش و تأثیر را داشته باشد، هر چند این تأثیر نسبی باشد؛ لذا می‌توان معادل کارکردی را به معنای پراگماتیک^{۲۴} دانست که بیشتر تابع شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است تا متکی بر نظریه‌ها و قواعد متصلب زبان‌شناسی.

ب) نظریه زبان‌شناسی حقوقی با تکیه بر معادل‌های کارکردی

ممکن است ابتدا این سؤال مطرح شود که زبان‌شناسی چه پیوندی با ترجمه‌شناسی دارد و پیرو آن سؤال، چه ارتباطی بین زبان‌شناسی حقوقی و ترجمه‌شناسی حقوقی (به‌منزله ترجمه‌شناسی تخصصی) وجود دارد. همانطور که می‌دانیم ترجمه‌شناسی رویکردهای مختلفی دارد و یکی از این رویکردها ترجمه‌شناسی با تکیه بر نظریه‌های مختلف زبان‌شناسی است. یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی، زبان‌شناسی ارتباطی است که توسط ادموند کاری، رومن یاکوبسون و نایدا ارائه شده است. ادموند کاری تحلیل زبان‌شناسی ارتباطی ترجمه را به‌منزله یکی از رویکردهای ترجمه‌شناسی مطرح کرد که به آن می‌گویند ترجمه‌شناسی زبان‌شناسی که ارتباطی محصول‌محور^{۲۵} است. زبان‌شناسان و ترجمه‌شناسان حقوقی نیز از نظریه ادموند کاری و یوجین نایدا الهام گرفتند و نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو^{۲۶} را بنا کردند. ژان - کلود ژمار^{۲۷}، ماهر عبدالهادی^{۲۸} و کلود بوکه^{۲۹} گروه پژوهشی «زبان‌شناسی حقوقی و ترجمه حقوقی» معروف به گرژو^{۳۰} را در ژنو تشکیل دادند (Bocquet, 2008, p.80; Abdelhadi, 1992, p.45). نظریه‌پرداز شاخص این گروه، ژان - کلود ژمار است. ژمار در واقع ترجمه حقوقی را تحلیل زبان‌شناسی حقوقی تطبیقی^{۳۱} می‌کند. برای مثال ترجمه قوانین فرانسه به زبان انگلیسی را با تکیه بر قواعد زبان‌شناسی حقوقی (معادل‌های حقوقی کارکردی و مطالعه تطبیقی دو نظام حقوقی دخیل) که خود مطرح کرده است، تحلیل می‌کند. به نظر وی، ترجمه قانون به یک فرهنگ (نظام یا سنت) حقوقی دیگر باید از طریق تحلیل تطبیقی دو فرهنگ حقوقی دخیل (مبدأ و مقصد) انجام شود، زیرا این تحلیل تطبیقی، مترجم را به‌سمت دستیابی به معادل حقوقی کارکردی سوق می‌دهد. ترجمه حقوقی نقطه آشنایی دو زبان، دو فرهنگ و دو قانون است. حقوق تطبیقی

نیز به‌منزلهٔ یک همسفر، مترجم حقوقی را در این تبادل اندیشه تجهیز می‌کند (Gémar, 2019, p.10). زبان حقوقی ابزار برقراری ارتباط در قلمرو حقوق است و همواره برای غیرحقوقدانان درک آن مشکل است. دشواری زبان حقوقی دلایل سبکی، ساختاری، نحوی و لغوی دارد و به همین علت زبان حقوق را به‌منزلهٔ گویشی خاص لیگالیز^{۳۲} نام‌گذاری کرده‌اند (آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). زبان‌شناسی حقوقی ژنو مترجمان را به تسلط بر گفتمان حقوقی زبان مادری رهنمون می‌سازد تا بتوانند پیام متن مبدأ را در ساختار زبانی مقصد وارد و آن را باز تولید کنند (Bocquet, 2008, pp.77-78). مترجم ملزم به آشنایی با سه نوع متن حقوقی است: متون قانونی که تجویزی و دستوری هستند و قانون را انشا کرده‌اند؛ متون قضائی که به شیوه‌ای استدلالی نگارش یافته‌اند و متون دکترین حقوقی که با رویکردی توصیفی متون قانونی و قضائی را تفسیر و تشریح می‌کنند (Bocquet, 2000, p.3).

ژمار مشکلات پایه‌ای ترجمهٔ حقوقی را به ۵ دسته تقسیم می‌کند: ویژگی الزام‌آور و قاعده‌مندی متون حقوقی، گفتمان خاص حقوقی رایج بین قضات و حقوقدانان، تنوع سیاسی - اجتماعی نظام‌های حقوقی، دشواری رجوع به منابع حقوقی کتابخانه‌ای از جمله فرهنگ‌نامه‌های حقوقی و معین نبودن میزان اعتبار، جامعیت و سودمندی این‌گونه منابع و رویکرد چندرشته‌ای ترجمهٔ حقوقی و لزوم دارابودن اطلاعات در حوزه‌های مختلف علوم انسانی (Gémar, 1979, pp.35-37). از ویژگی‌های مفاهیم حقوقی آن است که هم دارای معنای سیال و بی‌ثبات هستند یعنی وابسته به زمان و مکان و فرهنگ تغییر می‌کنند و هم چندمعنا^{۳۳} هستند، از این روی از یک جامعه به جامعه‌ای معانی متفاوتی از آن به ذهن متبادر می‌شود و این امر به دلیل سیر تاریخی و پیشرفت علم حقوق براساس مقتضیات خاص جوامع مختلف است. سبک نگارش حقوقی رسمی است و قانونگذار گویندهٔ متن است، از لحاظ نحوی نیز جملات حقوقی بسیار طولانی‌اند و افعال به‌صورت مجهول به‌کار برده می‌شوند. بزرگ‌ترین مشکل ترجمهٔ حقوقی از نگاه ژمار، تنوع نظام‌ها و سنت‌های (فرهنگ‌های) حقوقی در جهان است و آشنایی با این نظام‌ها (فرهنگ‌های حقوقی) مستلزم مطالعهٔ تطبیقی حقوق توسط مترجم است (Gémar, 1979, p.44). درواقع مترجم باید ترجمه را به‌متابۀ برگردانی از فرهنگ تلقی کند نه برگردانی از زبان و مترجم واسطه‌ای سیال میان دو فرهنگ یا واسطه‌ای بینا فرهنگی است (لطافتی و همکاران، ۱۳۹۰،

صص. (۱۸۱-۱۸۲).

ژان - کلود ژمار که اولین بار به لزوم استفاده از معادل‌های کارکردی در ترجمه حقوقی پرداخته است، معتقد است که متن حقوقی باید به گونه‌ای ترجمه شود که از لحاظ کارکردی همان نقش را در متن مقصد ایفا کند (Gémar, 1988, p.4). به گفته ژمار زیباشناسی متن ادبی مبتنی بر ابهام است و ترجمه وفادارانه آن مستلزم حفظ این ابهام است؛ درحالی‌که زیباشناسی متن حقوقی مبتنی بر شفافیت، سادگی و موجز بودن است (Gémar, 2001, p.27). به نظر ژمار در ترجمه حقوقی یافتن معادل کارکردی کامل برای یک مفهوم حقوقی خیالی بیهوده است، به تعبیری در زمان ترجمه مفهوم، کارکرد آن به‌طور نسبی دستخوش تغییر می‌شود و بدون تغییر باقی نمی‌ماند. پوشش زبانی مفهوم حقوقی جنبه ثانویه دارد و به‌علاوه آنچه در اولویت است معادل مفاهیم حقوقی نیست (رجوع به ترمینولوژی حقوق)، بلکه معادل آن مفاهیم حقوقی در بافت متن مقصد مهم است؛ یعنی کارکرد معادل حقوقی در متن مقصد ملاک است. حال این کارکرد و اثر حقوقی می‌تواند کامل باشد، جزئی باشد یا صفر باشد (Gémar, 2015, p.481). توسل به معادل‌های کارکردی در ترجمه حقوقی بیانگر آن است که ترجمه حقوقی نیز مانند انواع دیگر ترجمه‌های پراگماتیک، امری نسبی و تقریبی است و این معادل در هیچ ترجمه‌ای معادلی کامل نیست، چون هر مفهوم کارکرد و اثر حقوقی مخصوص به خود دارد و اثر حقوقی‌اش حاصل نظامی است که در آن تولید شده است و انتقال آن مفهوم به زبان و نظام حقوقی دیگر کارکرد آن را دستخوش تغییر می‌کند یا کارکرد آن را کاملاً از بین می‌برد. کلود بوکه یکی دیگر از پایه‌گذاران نظریه زبان‌شناسی حقوقی ژنو سه مرحله برای ترجمه حقوقی قائل است: ۱. مرحله مفهوم‌شناختی^{۲۴} و رمزگشایی از زبان مبدأ، ۲. انجام مطالعه تطبیقی در حقوق و مقایسه نظام‌های مبدأ و مقصد و این مرحله را غیر زبان‌شناسی می‌داند، ۳. رمزگذاری مجدد پیام حقوقی در زبان مقصد^{۲۵} (ibid, p.79)؛ حال آنکه ژمار چهار مرحله را در ترجمه حقوقی مدنظر قرار می‌دهد: ۱. مقایسه نظام‌های حقوقی، ۲. مقایسه دو زبان حقوقی، ۳. رمزگشایی، ۴. رمزگذاری مجدد (Gémar, 1979, pp.35-37). در مرحله رمزگشایی متن مبدأ، مترجم با پرداختن به نشانه‌ها درصدد رسیدن به مفهوم کلام است. در رمزگذاری مجدد، هدف پرداختن به مفهوم برای رسیدن به نشانه است. در تحلیل کلامی، رمزگشایی، مطالعه دال‌ها و

رمزگذاری مجدد، مطالعه مدلول‌هاست.

۲. کاربردپذیری معادل‌های کارکردی در ترجمه مفاهیم حقوقی با روش نمونه‌پژوهی

آشنایی مترجم با نظام‌های حقوقی و اصول کلی حقوقی، دیگر مسئله‌ای است که مترجمان باید بدان توجه کنند و در ترجمه متون حقوقی، مبانی فکری نظام‌های حقوقی را که همان اصول و قواعد بنیادین هر نظام حقوقی هستند مدنظر قرار دهند و تفاوت‌های موجود بین ساختارهای حقوقی موجود (قواعد و سازوکارهای حقوقی چون ازدواج، طلاق، ولایت، عقود، احوال شخصیه و غیره که عناصر مدنی یا کیفی تشکیل‌دهنده یک نظام حقوقی^{۳۶} هستند) در آن نظام‌ها را امری سطحی نپندارند. ساختارهای حقوقی نظام حقوقی اسلام به‌لحاظ مبنایی و اصولی نسبت به ساختارهای نظام‌های حقوقی دیگر (مانند کامن‌لا یا رومی ژرمنی) که غیردینی و سکولار هستند متفاوت‌اند، لذا با توجه به افتراقی که میان مبانی ساختاری نظام حقوقی ایران (شریعت اسلامی) و مبانی نظام حقوقی فرانسه (حقوق رومی - ژرمنی) وجود دارد، سعی بر آن داریم تا با تکیه بر نظریه معادل‌های کارکردی با ارائه مثال‌هایی نحوه معادل‌گزینی و ترجمه مفاهیم حقوقی را به زبان حقوقی فرانسه بررسی کنیم. در ابتدای بحث لازم است مفهوم حقوقی^{۳۷} را تبیین کنیم که به چه معناست. مفاهیم حقوقی نوعاً زیرمجموعه هنجارها (نرم‌ها) و قواعد حقوقی قرار می‌گیرند؛ به تعبیری هر نظام حقوقی متشکل از هنجارها (نرم‌ها) و قواعد حقوقی است و قواعد حقوقی نیز متشکل از مفاهیم حقوقی است. چند مفهوم حقوقی با یک ارتباط خاص کنار هم قرار می‌گیرند و قاعده حقوقی را می‌سازند. ممکن است یک مفهوم حقوقی زیرمجموعه یک مفهوم حقوقی عام‌تر باشد. مفهوم حقوقی (بازنمایی ذهنی پدیده‌ای حقوقی) به‌وسیله قانون (در نظام حقوق نوشته) یا قاضی (در نظام کامن‌لا) نام‌گذاری یا برچسب‌گذاری می‌شود (Gainsburg, 2017, pp.150-151). این نام برچسب Label یا همان ترم Terme یا اصطلاح حقوقی است. مفهوم حقوقی، مفاهیم ارزشی، تکلیفی و اعتباری هستند (اسماعیلی، ۱۳۹۵، صص. ۳۰-۳۱). هر مفهوم حقوقی واقعی اعتباری است که دارای کارکرد است. هدف ما در اینجا صرفاً ارزیابی ترجمه اصطلاحات حقوقی و برچسب‌ها نیست، بلکه فراتر از آن می‌خواهیم نحوه انتقال یک مفهوم حقوقی اعتباری (همراه با کارکرد خاص و اثر حقوقی خود) از یک فرهنگ (نظام یا سنت) حقوقی به یک فرهنگ دیگر را ارزیابی کنیم. مطالعه کارکرد یک

مفهوم حقوقی و نحوه انتقال آن به یک نظام حقوقی دیگر، فراتر از دانش ترمینولوژی، نیازمند مطالعه بافت تاریخی و فرهنگی آن نظام حقوقی است که مفهوم در آن تولید شده است (نظام مبدأ) و نیز وابسته است به مطالعه عناصر ساختاری و فرهنگی نظام حقوقی مقصد و بررسی قرابت یا دوری دو نظام حقوقی دخیل.

اولین مورد نمونه پژوهی ما بررسی معادل‌گزینی مفهوم حقوقی نکاح است. نکاح مصرح در ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی ایران، عقدی است که «به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید»^{۲۸} منعقد می‌شود. به تعبیر برخی از حقوقدانان اسلامی نکاح عقدی شرعی است که «به هر یک از زوجین حق استمتاع از دیگری را به وجه مشروع می‌دهد» (محمد محی‌الدین، ۱۹۵۸، ص. ۱۰). از لحاظ حقوقی این عقد شرعی با شرایط خاص فقهی منعقد می‌شود و حقوق و تکالیفی شرعی بر عهده زوجین قرار می‌دهد (صفایی و امامی، ۱۳۸۱، ص. ۴۶، ۱۱۹، ۱۳۰). این نکاح با مفهوم حقوقی - فقهی ازدواج در حقوق فرانسه کاملاً یکسان نیست، زیرا در حقوق فرانسه ازدواج^{۲۹} براساس اصلاحات جدید قانون مدنی فرانسه یک قرارداد رسمی، عمل حقوقی دوجانبه و بدون ضوابط دینی است و لزوم وجود شرایط دینی خاص بین زوجین را به رسمیت نمی‌شناسد. ماده ۷ قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه^{۳۰} ازدواج را قراردادی مدنی اعلام کرد و ضوابط شرعی کاتولیک را در انعقاد آن برچید و نهایتاً در قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۴ (معروف به کد ناپلئون) لائیک بودن قرارداد ازدواج مورد تأیید قرار گرفت (Xémard, 2014, p.226). لذا ملاحظه می‌کنیم که واژه «Mariage» تنها معادلی کارکردی و نسبی برای ترجمه مفهوم حقوقی نکاح است و جعفری لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق معادل نکاح را «Mariage» دانسته است (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۷۲۱).

Titre V :	Marige نکاح ۵۷۹۶
Du Mariage	
Chapitre Ier : Des qualités et conditions	(مدنی - فقه) عقدی است که به موجب آن
requisies pour pouvoir contracter mariage	مرد وزن لااقل بر نفی محرومیت جنسی
Article 143	(مانند نکاح منقطع احیاناً) یا علاوه بر نفی
Modifié par LOI n°2013-404 du 17 mai	آن محرومیت به منظور تشکیل خانواده و
2013 - art. 1	
Le mariage est contracté par deux personnes	

زندگی مشترک خانوادگی قانوناً با هم de sexe différent ou de même sexe.
 متحد می‌شوند (مانند مورد نکاح دائم). ماده ۱۴۳ قانون مدنی فرانسه
 قانون مدنی تعریفی از نکاح نکرده است. در (محسنی، ۱۳۹۵، ص. ۹۷ لاتین)
 همین اصطلاح، ازدواج و زناشویی
 استعمال می‌شود.
 (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۷۲۱، شماره ۵۷۹۶)

حسینقلی کاتبی در ترجمه «Mariage» به واژگانی چون ازدواج، نکاح، زواج و زناشویی
 اشاره کرده است (کاتبی، ۱۳۸۰، ص. ۲۲۹). با مراجعه به نمونه‌ای از ترجمه فارسی ماده ۱۴۳
 قانون مدنی فرانسه ملاحظه می‌کنیم که مترجم به‌درستی واژه ازدواج را به‌کار برده است
 (محسنی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۵). ولی در ترجمه برخی مواد دیگر (همچون ماده ۱۷۲ قانون مدنی
 فرانسه) با عدم توجه به کارکرد واژگان از لفظ نکاح روبه‌رو هستیم که این مسئله ناهمگونی در
 بافت ترجمه را هم سبب شده است.

Chapitre III : Des oppositions au mariage

Article 172

Créé par Loi 1803-03-17 promulguée le 27 mars 1803

Le droit de former opposition à la célébration du mariage appartient à la
 personne engagée par mariage avec l'une des deux parties contractantes.

ماده ۱۷۲ قانون مدنی فرانسه (محسنی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۷ لاتین)

فصل سوم - اعتراض به ازدواج

ماده ۱۷۲ - حق اعتراض به برگزاری مراسم ازدواج متعلق به شخصی است که در عقد نکاح
 با یکی از طرفین ازدواج است.

ترجمه فارسی ماده ۱۷۲ قانون مدنی فرانسه (محسنی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۴)

باب پنجم:

ازدواج

فصل نخست - ترتیب و شرایط لازم برای ازدواج

ماده ۱۴۳ - عقد ازدواج میان دو شخص یا جنسیت مخالف یا موافق منعقد می‌شود.

ترجمه فارسی ماده ۱۴۳ قانون مدنی فرانسه (محسنی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۵)

نتیجه آنکه در ترجمه لفظ نکاح به زبان فرانسه چون معادل دیگری غیر از «Mariage» وجود ندارد باید از همان معادل استفاده کنیم، هرچند که از لحاظ کارکردی به‌طور نسبی با یکدیگر متفاوت هستند. ولی در ترجمه عبارت «Mariage» به فارسی بهتر است از لفظ عام ازدواج استفاده شود و لفظ خاص نکاح به‌کار برده نشود چون نکاح مفهومی خاص در فقه اسلامی دارد که با «Mariage» در حقوق فرانسه متفاوت است. گفتنی است در برخی از متون حقوقی برای تدقیق مفهوم فقهی نکاح، عبارت ازدواج مذهبی «Mariage Religieux» را معادل نکاح قرارداده‌اند و عبارت «Mariage Civil» را در مقابل نوع مدنی آن یعنی ازدواج غیردینی یا مدنی به‌کار برده‌اند. باید توجه داشت که وقتی عبارت ازدواج مذهبی را به‌کار می‌بریم صرفاً نکاح اسلامی را شامل نمی‌شود بلکه اعم است از ازدواج مسیحی^۱، ازدواج یهودی^۲، ازدواج اسلامی^۳ یا ازدواج هندو^۴ یا سایر مذاهب، فلذا در ترجمه باید اشاره صریح به مذهب موردنظر داشته باشیم.

همچنین درخصوص لفظ مهر یا صداق که به فارسی کابین نیز گفته می‌شود باید مدنظر داشت که مفهوم حقوقی آن خاص است. آیه ۴ سوره نساء به صداق به معنای مهر اشاره کرده است و آن را نحلّه یا هدیه یا عطیه‌ای از جانب شوهر به زن دانسته است^۵. دو معادل کارکردی نسبی مهر در حقوق فرانسه «La Dot» و «Le Douaire» است^۶. مهر در حقوق اسلامی مال معینی است که زوج به زوجه می‌دهد و یا متعهد به پرداخت آن می‌شود و به صرف عقد نکاح زوجه مالک مهر می‌شود (ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی). در حقوق فرانسه «Dot»^۷ به معنای جهیزیه است که زن به شوهر پرداخت می‌کند و مبلغ آن ممکن است در عقدنامه معین شود. اصطلاح «Dot» دیگر در حقوق فرانسه کاربرد حقوقی ندارد و حقوق مربوط به اموال جهیزیه به موجب قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۵ ملغی شده است (Guillien et Vincent, 1990, p.192). اصطلاح «Le

Douaire^{۴۸} نیز در واقع سهم زوجه از ترکه شوهر متوفی است و پس از فوت شوهر به زن تعلق می‌گیرد. البته این اصطلاح حقوقی «Douaire» با شرایط خاصش با تصویب قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴ ملغی شد. مهر در حقوق اسلامی نه جهیز است و نه سهم الارث، در حال حاضر نظیر مفهوم حقوقی مهر را در متون قانونی فرانسه یا حقوق غربی نمی‌توان یافت (امامی، ۱۳۴۰، ج. ۴/ص. ۳۷۸). با این وصف از هیچ‌یک از این دو معادل‌های فرانسوی به لحاظ کارکرد معنای مهر مستفاد نمی‌شود. در کتاب ترمینولوژی حقوق، جعفری لنگرودی برای معادل فرانسوی صداق یا مهر از واژه «Douaire» استفاده کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۴۰۵).

۳۲۴۵ - صداق Douaire

(مدنی - فقه) مهر را گویند. همچنین صدقه، نخله، اجر، فریضه، علیقه، حبا و عقر نامیده می‌شود (منهاج‌الهدایه: ۳۳۶)

بنا به قول مشهور بین فقها به صرف عقد، زوجه مالک تمام مهر است نهایت اینکه مالکیت زوجه نسبت به تمام مهر متزلزل بوده و استقرار این مالکیت (نسبت به نصف دوم) متوقف بر دخول است. به همین جهت اگر تقاضای اجرائیه برای تمام مهر شود و زوج دعوی عدم دخول کند چون استحقاق زوجه نسبت به نصف ثانی محتاج به اظهار نظر قضائی است باید زوجه نسبت به این مقدار به دادگاه مراجعه کند (منهاج‌الهدایه: ۳۳۷).

(جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۴۰۵، شماره ۳۲۴۵)

کاتبی در فرهنگ حقوق «Dot» را جهیزیه ترجمه کرده است (کاتبی، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۱) و مفهوم «Douaire» را سهم زن از دارایی شوهر متوفی ترجمه کرده است (همان، ص. ۱۳۱). چون در حال حاضر قانون مدنی ایران به فرانسه ترجمه نشده است و غیر از کتاب لنگرودی و چند فرهنگ دیگر منبعی برای واکاوی معادل فرانسوی مفاهیم حقوقی ایران نداریم، می‌توانیم برای تحقیق بیشتر به ترجمه عربی - فرانسه آیات قرآن کریم نیز مراجعه کنیم، زیرا قانون مدنی ایران برگرفته از فقه اسلامی است و منبع اصلی فقه اسلامی، قرآن کریم است و مفاهیم خاص حقوقی که در قانون مدنی ایران ملاحظه می‌شود همان الفاظ عربی قرآنی است. برخی از مترجمان فرانسه زبان از جمله حقوقدان الجزایری‌تبار چون آندره شوراکی یا دنیس ماسون

مترجم مراکشی در ترجمه آیه ۴ سوره نساء قرآن کریم از معادل «Douaire» برای واژه صدق استفاده کرده‌اند (Chouraqui, 1990, pp.119-120; Masson, 1967, p.92) و برخی دیگر از مترجمان فارسی زبان قرآن چون غلامحسین ابوالقاسمی فخری معادل «Dot» را برای ترجمه صدق یا مهر برگزیده است (ابوالقاسمی فخری، ۲۰۰۸، ص. ۷۷ در ترجمه آیه ۴ سوره نساء).
باتوجه به اینکه به نظر برخی از حقوقدانان فرانسه (ریموند گیلیان و ژان ونسانت) اصطلاح «Dot» در معنای عام نوعی هدیه یا هبه ازدواج^۴ هم در نظر گرفته می‌شود به نظر می‌رسد «Dot» معادل کارکردی نسبی مناسب‌تری باشد و نسبتاً با مفهوم مهر در فارسی معادل است (Guillien et Vincent, 1990, p.192).

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُنَّ فَاكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا .

مهر زنان را به طیب خاطر به آن‌ها بدهید و اگر پاره‌ای از آن را به رضایت به شما بخشیدند، بپذیرید که خوش و گوارایتان خواهد بود (نساء: ۴).

4. Restituez aux femmes leurs douaires, spontanément. Si, librement, elles vous en offrent une partie, consommez-la, bel et bien.
4. Donnez spontanément leur douaire à vos femmes; mais, si elles sont assez bonnes pour vous en abandonner une part, mangez celle-ci en paix et tranquillité.

ترجمه آیه ۴ سوره نساء، دنیس ماسون
ترجمه آیه ۴ سوره نساء، آندره شوراکی
(Masson, 1967, p. 92)
(Chouraqui, 1990, pp.119-120)

[4] Donnez à [vos] femmes leurs dots à titre de donation [sincère] obligatoire. Si toutefois, de leur propre gré, elles vous en cèdent gentiment une partie, profitez-en à votre aise et agréablement.

ترجمه آیه ۴ سوره نساء، ابوالقاسمی فخری
(Abolqasemi Fakhri, 2008, p.77)

عِدّه یکی دیگر از مفاهیمی است که در حقوق فرانسه دارای معادل کارکردی نسبی است. عِدّه در حقوق مدنی ایران (رک: مواد ۱۱۵۰ تا ۱۱۵۷ قانون مدنی ایران) مدت زمانی است که زن پس از جدایی یا مرگ شوهرش باید از ازدواج خودداری کند. در قرآن کریم نیز به عِدّه طلاق و عِدّه وفات تصریح شده است (آیه ۱ سوره طلاق و آیه ۲۲۸ و ۲۳۴ سوره بقره). عِدّه در آیه

۲۲۸ سوره بقره قرآن کریم مترادف «تربص» یا انتظار به کار رفته است و فلسفه وضع عده جلوگیری از اختلاط نسل است (فیض، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۵)؛ در حقوق مدنی فرانسه عبارت « Le Délai de viduité» را می‌توان معادل کارکردی نسبی برای مفهوم عده دانست. این معادل فرانسوی کارکردی نسبی دارد، زیرا شرایط و مدت سپری کردن آن یکسان نیست و نیز در تاریخ ۲۶ می ۲۰۰۴ مواد مربوط به این مفهوم در قانون مدنی فرانسه ملغی شده است، لذا در حال حاضر این مفهوم هرچند دارای پیشینه حقوقی است ولی دیگر کارکرد و اثری در حقوق فرانسه ندارد. جعفری لنگرودی نیز در ترمینولوژی حقوق از همین معادل کارکردی « Délai de viduité » برای مفهوم عده استفاده کرده است (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۴۴۶).

۳۵۴۳ - عده Délai de viduité

(به تشدید ثانی) در فقه و حقوق مدنی به مدتی گفته می‌شود که در آن مدت زوجه‌ای که ازدواج او از طریق طلاق یا وفات یا فسخ نکاح یا بذل مدت منحل شده نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند (ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی) (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۴۴۶، ش ۳۵۴۳)

مالک شبل یکی از مترجمان عرب‌زبان و الجزایری قرآن کریم نیز در ترجمه آیه ۱ سوره طلاق نیز همین معادل فرانسوی را برای ترجمه لفظ عده به کار برده است (Chebel, 2009, p.459).

نمونه دیگر مفاهیم حقوقی ایران که در حقوق فرانسه هیچ معادل کارکردی ندارد، رضاع یا خویشاوندی رضاعی است که مختص حقوق اسلام است و در حقوق غرب دیده نمی‌شود. قرابت رضاعی نوعی نسبت خانوادگی است که با شیرخوردن نوزاد از زنی که مادر طبیعی او نیست حاصل می‌شود. تأثیر این نوع قرابت فقط در منع ازدواج میان خویشان رضاعی است (ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی ایران) و چنین مفهومی در حقوق فرانسه وجود ندارد و معادلی کارکردی برای آن موجود نیست؛ لذا واژه «Allaitement» که در ترجمه رضاع به کار می‌رود تنها نوعی گرده‌برداری از واژه شیردادن است.^{۵۰} حسینقلی کاتبی در کتاب فرهنگ حقوق فرانسه - فارسی واژه «Allaitement» را شیر دادن و تغذیه طفل تا مدت معین به وسیله شیر مادر، ترضیع، رضاعت و رضاع ترجمه کرده است (کاتبی، ۱۳۸۰، ص. ۲۵) ولی همانطور که گفتیم این واژه فرانسوی معادل کارکردی رضاع نیست و صرفاً به عمل شیر دادن اشاره دارد. در قرآن کریم نیز

آیه ۲۳۳ سوره بقره یکی از آیاتی است که درباب رضاع و شرایط آن است. با مراجعه به ترجمه فرانسه این آیه درمی‌یابیم مترجمان عرب‌زبان نیز از همین معادل «Allaitement» برای ترجمه لفظ رضاع استفاده کرده‌اند (Chouraqui, 1990, p.71 ; Masson, 1967, p.45).

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِضَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

مادرانی که می‌خواهند شیر دادن را به فرزندان خود کامل سازند، دو سال تمام شیرشان بدهند خوراک و لباس آنان به وجهی نیکو بر عهده صاحب فرزند است و هیچ کس بیش از قدرتش مکلف نمی‌شود. نباید هیچ مادری به خاطر فرزندش زبانی ببیند و هیچ پدری به خاطر فرزندش و قیم نیز چنین برعهده دارد و اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشاورت یکدیگر فرزندان را از شیر بازگیرند مرتکب گناهی نشده‌اند و هرگاه بخواهید کسی دیگر را به شیر دادن فرزندان برگمارید، اگر مزدی نیکو و درخورش بپردازید گناهی نیست از خدا بترسید و بدانید که او به کاری که می‌کنید بصیر و بیناست (بقره: ۲۳۳).

*** Les mères qui veulent donner à leurs enfants un allaitement complet, les allaiteront deux années entières¹.

Le père doit assurer leur nourriture et leurs vêtements, conformément à l'usage. Mais chacun n'est tenu à cela, que dans la mesure de ses moyens.

La mère n'a pas à subir de dommage, à cause de son enfant, ni le père, à cause de son enfant. — Les mêmes obligations incombent à l'héritier —

ترجمه آیه ۲۳۳ سوره بقره توسط دنیس ماسون (Masson, 1967, p.45)

233. Les mères allaiteront leurs enfants deux années entières,
si elles veulent un allaitement complet.
Aux pères de les pourvoir en subsistance et vêtire,
selon l'usage.
Un être est imposé selon ses possibilités.
Une mère ne subit pas de dommage à cause de son enfant.
Un père ne subit pas de dommage à cause de son enfant.
Il en est de même pour un héritier.
S'ils veulent le sevrage, d'un commun accord,
après s'être consultés, pas de grief contre les deux.
Si vous voulez mettre en nourrice vos enfants,
pas de grief contre vous,
quand vous acquittez ce que vous devez donner,
selon l'usage.
Frémissez d'Allah !
Il voit ce que vous faites.

ترجمه آیه ۲۳۳ سوره بقره توسط آندره شورایی (Chouraqui, 1990, p.71)

از جمله دیگر مفاهیم حقوقی می‌توان به مفهوم حقوقی صیغه یا عقد متعه یا نکاح منقطع^۱ اشاره کرد (ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی ایران). در واقع نکاح منقطع مختص فقه شیعه و قانون مدنی ایران است، متعه عقدی است که برای مدت معینی بین زن و مرد واقع می‌شود و شرایط خاصی برای آن در فقه شیعه وجود دارد. در حقوق فرانسه معادل کارکردی برای این مفهوم وجود ندارد و چنین ازدواجی به رسمیت شناخته نشده است و عبارت « Le Mariage Temporaire »^۲ صرفاً گزیده‌برداری از عبارت نکاح موقت است. جعفری لنگرودی از همین معادل فرانسوی برای عقد متعه یا نکاح منقطع استفاده کرده است (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۴۶۱).

۳۶۸۳ - عقد متعه

Mariage temporaire

(فقه) نکاح منقطع را گفته‌اند .

(جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۴۶۱، ش ۳۶۸۳)

لازم است یادآوری شود که نکاح منقطع با مفهوم حقوقی زندگی مشترک بدون ازدواج یا هم‌باشی «Concubinage» در حقوق فرانسه متفاوت است.

در جدول ۱ نحوه معادل‌گزینی برخی مفاهیم حقوق خانواده ایران را به زبان فرانسه بررسی می‌کنیم و نوع معادل کارکردی مفاهیم دیگری را در جدول ۲ ارائه می‌دهیم. اگر در نظام حقوقی مقصد (فرانسه) برای مفهوم حقوقی ایران هیچ معادل کارکردی با اثر و عملکرد مشابه وجود نداشته باشد مترجم حقوقی باید از معادل کارکردی صفر استفاده کند و اگر برای مفهومی دیگر

معادلی در نظام حقوقی مقصد بیاید که دارای عملکرد یکسان باشد یا عملکردی نسبتاً مشابه داشته یا قبلاً دارای عملکرد بوده است باید همان معادل کارکردی کامل یا نسبی را به کار ببرد:

جدول ۱: نحوه معادل‌گزینی برخی مفاهیم حقوق خانواده ایران در زبان حقوقی فرانسه

Table 1: Examining how to choose an equivalent for some concepts of Iranian family law in the French legal language

<p>طلاق خلع [معادل کارکردی صفر] Répudiation Moyennant Compensation در فقه و حقوق مدنی به طلاق گفته می‌شود که زوجه به جهت کراهت از شوهر مالی به او می‌دهد و طلاق می‌گیرد. آن مال ممکن است عین یا معادل مهر و بیشتر یا کمتر از آن باشد (ماده ۱۱۶۴ قانون مدنی ایران) (انگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۴۲۱، ش ۳۴۳۹). این نوع طلاق مختص شریعت اسلام است و کارکردی در حقوق فرانسه ندارد.</p>	<p>طلاق رجعی [معادل کارکردی صفر] Répudiation Révocable/ Divorce avec droit de révocation طلاق است که شوهر در ایام عده می‌تواند حتی بدون قصد نتیجه به زوجه رجوع کند. پس دوباره رابطه زناشویی برمی‌گردد. رجعی بودن اصل است، باین بودن مستثنی است. در صورت شک در رجعی یا باین بودن طلاق (مانند طلاق حاکم) حکم به رجعی بودن می‌شود (ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی ایران) (انگرودی، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۴۵، ش ۹۱۲۰). این نوع طلاق مختص شریعت اسلام است و کارکردی در حقوق فرانسه ندارد.</p>	<p>طلاق بائن [معادل کارکردی صفر] Répudiation Irrévocable/ Divorce définitif طلاق است که زوج پس از طلاق حق نداشته باشد که در ایام عده رجوع به زوجه کند. طلاق بائن پنج قسم است (ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی ایران) (انگرودی، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۴۱، ش ۹۱۰۹). این نوع طلاق مختص شریعت اسلام است و کارکردی در حقوق فرانسه ندارد.</p>
<p>نفی ولد [معادل کارکردی نسبی] Désaveu de paternité یعنی اینکه پدری انتساب فرزندی را به خود انکار کند (ماده ۱۱۶۲</p>	<p>مهرالتمتع [معادل کارکردی صفر] Don de consolation مهری است که در نکاح مفوضه‌البضع شوهر به زن مطلقه</p>	<p>مهرالمثل [معادل کارکردی صفر] Dot d'équivalence مهرالمثل مهری است که در نکاح مفوضه‌البضع (زوجه را در عقد</p>

قانون مدنی ایران (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۷۱۹، ش ۵۷۸۱). این مفهوم حقوقی در فرانسه نیز دارای کارکردی نسبتاً مشابه است (مواد ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۳۳ تا ۳۳۶ قانون مدنی فرانسه).	خود که با او نزدیکی نکرده می- دهد (ماده ۱۰۹۳ و ۱۰۹۴ قانون مدنی ایران) (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۷۰۲، ش ۵۶۴۳). این اصطلاح حقوقی مختص شریعت اسلام است و کارکردی در حقوق فرانسه ندارد.	نکاحی که دائم بوده و مهر ذکر نشده باشد یا شرط عدم مهر شده باشد مفوضه البضع گویند طبق ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی ایران) پس از وقوع نزدیکی و قبل از تراضی بر مهر معین به حسب شرافت و اوضاع و احوال زوجه به او داده شود (مواد ۱۰۸۷ و ۱۰۹۱ قانون مدنی ایران) (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۷۰۲، ش ۵۶۴۴). این اصطلاح حقوقی مختص شریعت اسلام است و کارکردی در حقوق فرانسه ندارد.
---	--	---

جدول ۲: نوع معادل کارکردی برخی از مفاهیم حقوقی خانواده در زبان حقوقی فرانسه

Table 2: Typology of the functional equivalent of some concepts of Iranian family law in the French legal language

نکاح با توکیل [معادل کارکردی نسبی] Mariage par procuration	حق حبس در نکاح [معادل کارکردی صفر] Droit de retention	تعدد زوجات [معادل کارکردی صفر] Polygamie
عیوب مختص مرد (که موجب حق فسخ نکاح برای زن است) [معادل کارکردی صفر] Vice rédhibitoire chez l'époux	موانع نکاح [معادل کارکردی نسبی] Empêchements au Mariage/ Interdictions en matière de mariage	فسخ نکاح [معادل کارکردی نسبی] Dissolution du Mariage
خواستگاری (خطبه) [معادل کارکردی صفر] Demande en mariage (khitba)	سه طهر (در عده طلاق) [معادل کارکردی صفر] Trios périodes/ Trois Menstruations	وعده نکاح [معادل کارکردی نسبی] Promesse de Mariage

نکاح با اقارب نسبی (یکی از موانع نکاح) [معادل کارکردی نسبی] Mariage Consanguin	اذن ولی دختر در نکاح [معادل کارکردی صفر] Autorisation du Tuteur	اعطای حق طلاق از جانب زوج به زوجه [معادل کارکردی صفر] Délégation du droit de divorce à la femme
نکاح با زنان اهل کتاب [معادل کارکردی صفر] Mariage avec des femmes qui sont issues des Gens du Livre	نکاح با اقارب رضاعی (یکی از موانع نکاح) [معادل کارکردی صفر] Mariage dans le cas de parenté pour cause d'allaitement	نکاح به واسطه مصاهره یا قرابت سببی (یکی از موانع نکاح) [معادل کارکردی صفر] Mariage dans le cas de parenté par alliance
حرمت ابدی انعقاد نکاح در حال احرام [معادل کارکردی صفر] Interdiction Perpétuelle de contracter un mariage en état d'Ihram	نکاح دائم [معادل کارکردی نسبی] Mariage permanent	نکاح منقطع یا متعه [معادل کارکردی صفر] Mariage temporaire / Mariage de jouissance / Mariage à durée déterminée
حضانة طفل [معادل کارکردی نسبی] Garde de l'enfant	نفقة زوجه [معادل کارکردی نسبی] Entretien de l'épouse	ولایت [معادل کارکردی نسبی] Tutelle

معادل‌گزینی اصطلاحات تقنینی فقهی - حقوقی (نکاح و طلاق) که در اینجا ارائه شدند به‌خوبی نشان می‌دهند که فقط اصطلاحاتی که در حقوق فرانسه معادل کارکردی نسبی دارند می‌توانند ترجمه شوند. همچنین گفتنی است که امکان وجود معادل‌های کارکردی کامل و تطابق کامل مفاهیم حقوقی ایران در زبان حقوقی فرانسه به‌دلیل افتراق مبنایی دو نظام و آثار حقوقی مختلفی که هرکدام در بردارند بسیار کم شمارند. معادل کارکردی کامل اغلب در جرایم نوین کیفری یا ساختارهای نوین حقوق تجارت ممکن است یافتنی باشد؛ جرایمی که هویتی بین‌المللی دارند و از طریق تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی وارد ادبیات و نظام حقوقی ایران می‌شوند. لذا از آنجا که این تحقیق به حوزه حقوق خانواده محدود است و مبنای حقوق خانواده ایران صرفاً برپایه شریعت اسلام و منحصر به فرد است، تنها مثال‌هایی از مفاهیم حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفت که در حقوق فرانسه معادل کارکردی نسبی دارند یا مثال‌هایی که در حقوق فرانسه هیچ معادلی ندارند.

۵. نتیجه

همانطور که در مطالعه موردی حاضر ملاحظه شد به دلیل وجود تفاوت مبنایی و درجه افتراق زیاد بین نظام حقوقی اسلامی ایران و نظام حقوقی فرانسه معادل‌گزینی کامل امری کمیاب است و بیشتر معادل‌های کارکردی، نسبی یا معادل‌های بدون کارکرد هستند. زبان‌شناسی حقوقی ژنو هم به این نکته اذعان دارد که هر اندازه بین زبان و نظام حقوقی مبدأ و مقصد درجه قرابت و خویشاوندی بالاتر باشد، امکان معادل‌گزینی دقیق بیشتر می‌شود. لذا درجه این‌گونه قرابت‌های زبانی و حقوقی در ارزیابی ترجمه حقوقی مؤثر خواهد بود. حتی ممکن است حقوق برخی کشورها مبتنی بر نظام حقوقی واحد باشد (کشورهای اروپایی به جز انگلیس یا کشورهای آمریکای لاتین)؛ ولی ساختارهای حقوقی و ساختار زبانی آن‌ها کاملاً برهم منطبق نباشد. از این رو در این‌گونه کشورها با نظام حقوقی یکسان نیز، معادل‌گزینی امری نسبی است. مطالعاتی که امروزه در زمینه حقوق تطبیقی انجام می‌گیرد توانسته است قرابت و جدایی مفاهیم حقوقی را در نظام‌های حقوقی گوناگون نمایان کند. بدین ترتیب مترجم حقوقی ملزم است با مطالعه تطبیقی حقوق با وجوه افتراق و اشتراک مفاهیم حقوقی در نظام‌های حقوقی آشنایی پیدا کند.

نتیجه دیگری که از تحقیق پیش‌رو گرفته می‌شود آن است که مترجم حقوقی باید در معادل‌گزینی بین دو معادل زبانی و معادل حقوقی، هارمونی و تعادل ایجاد کند. به بیانی دیگر در انتخاب معادل کارکردی، صورت و محتوا باید هماهنگی زبانی - حقوقی داشته باشند. در مجموع کارکردی بودن معادل بدین معناست که واژه مقصد از همان ظرفیت معنایی و واژه‌شناسی واژه مبدأ برخوردار باشد و هر دو یک مفهوم حقوقی واحد را به لحاظ مبنایی و نظری به مخاطب معرفی کنند. به همین دلیل می‌توان معادل کارکردی را معادل مفهومی نیز نامید. یافتن معادل حقوقی مفهومی در واقع یافتن معادلی با کارکرد حقوقی و اثر مشابه در نظام حقوقی مقصد است و به همین دلیل مترجم ناگزیر است تا با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی ژنو که نحوه معادل‌گزینی کارکردی مفاهیم حقوقی را بر مبنای تقسیم‌بندی معادل‌های کارکردی به کامل، نسبی و صفر آموزش می‌دهد آشنایی داشته باشد. زبان‌شناسان حقوقی ژنو نگاهی مقصدمدار به ترجمه حقوقی دارند و انتخاب معادل برای ترجمه ساختار و مفاهیم حقوقی را امری نسبی می‌دانند. دلیل این امر افتراق معنایی و مبنایی موجود میان ساختار و مفاهیم حقوقی نظام‌های حقوقی است. استفاده از معادل‌های کارکردی در ترجمه حقوقی در واقع

مسیری برای دور ساختن ترجمه از تعادل محض کلمه به کلمه است. این رویکرد محصول محور و مقصدمدار، موفقیت در ترجمه حقوقی را رسیدن به تأثیر حقوقی معادل می‌داند و چون کل موضوع تعادل متضمن داوری شخصی و ذهنی مترجم است، این تأثیر ناگزیر، نسبی و تقریبی خواهد بود. لذا برای ایجاد تعادل حقوقی مناسب بین متن حقوقی مبدأ و مقصد، تسلط کافی مترجم بر حقوق تطبیقی و داشتن شم زبانی قوی در هر دو زبان مبدأ و مقصد از شرایط لازم است. نهایت امر اینکه در هنگام ترجمه باید در نظر داشت که گفتمان حقوقی حاوی عناصر نحوی، لغوی، معنایی و سبکی خاص است و تنها در شرایط زمانی و مکانی خاصی قابل استعمال است. باری حقوق دربردارنده اثر حقوقی است و ترجمه حقوقی تنها ترجمه لفظ و انتقال معنا نیست، بلکه اثر متن حقوقی مبدأ باید با اثر متن ترجمه شده یکسان باشد. ترجمه حقوقی از نظر زبان‌شناسی حقوقی، فرایندی در جهت فهمیدن متن مبدأ نیست، بلکه هدف در این نوع ترجمه فهماندن متن مبدأ به مخاطبان در متن مقصد است.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Traduction à des fins spécialisées (Translation for specialized purposes -TSP)
2. Jean-claude.gemar@umontreal.ca
3. La revue *Meta*
4. Langage du droit et traduction : Essais de Jurilinguistic, Linguattech
5. Jurilinguistique Comparée langage du droit
6. Traduire ou l'art d'interpréter, Pu, Quebec
7. Traduire le droit ou le double langage de Thémis, la revue *Hermés*, n° 49, pages 149 à 155.
8. De la traduction (juridique) à la jurilinguistique. Fonctions proactives du traductologue, la revue de *Meta*, Volume 50, Numéro 4, décembre 2005.
9. Claude Bocquet
10. La traduction juridique : Fondement et méthode, De Boeck Supérieur, 15 septembre 2008.
11. La recherche appliquée ou axée sur le produit (Product-oriented research)
12. Équivalence fonctionnelle (Functional equivalence)
13. Traductologie linguistique communicationnelle
۱۴. نام واقعی ادموند کاری (Edmond Cary) Cyrille Znosko Borowsky است که در سال ۱۹۶۶ در سانحه هوایی جان باخت.
15. Théorie communicative axée sur le produit
16. Le contexte linguistique

17. Eugene Nida
 18. *Vers une science de la traduction (Toward a Science of Translating)*
 19. Équivalence formelle (Formal Equivalence)
 20. Équivalence dynamique (Dynamic Equivalence)
 21. Analyse (Analysis)
 22. Transfert (Transfer)
 23. Restructuration (Restructuring)
 24. Pragmatique
 25. Traductologie linguistique communicationnelle
 26. Jurilinguistique
 27. Jean-Claude Gémar
 28. Maher Abdel Hadi
 29. Claude Bocquet
 30. GREJUT: Groupe de recherche en jurilinguistique et traduction juridique
 31. L'analyse jurilinguistique comparé en traduction juridique
 32. Legalese
 33. Polysémique/polysemous
 34. Étape sémasiologique
 35. Étape onomasiologique
 36. Système légal (Legal system)
 37. The concepts of law ;Legal concepts
۳۸. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: ماده ۱۰۶۲ ق.م ایران - نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج کند.
- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97937>
39. Le Mariage
 40. La Constitution de 1791, Article 7 : « la loi ne considère le mariage que comme un contrat civil », <http://www.conseil-constitutionnel.fr/conseil-constitutionnel/francais/ la-constitution/ les-constitutions-de-la-france/constitution-de-1791.5082.html>
 41. Mariage chrétien
 42. Mariage juif
 43. Mariage musulman
 44. Mariage hindou
۴۵. آتوا النساء صدقاتهن نحلة (نساء: ۴).
۴۶. معادل کارکردی نسبی آن در حقوق انگلیس Dower است
47. Biens apportés généralement par l'épouse pour contribuer aux charges du ménage : http://www.universalis.fr/encyclopedie/dot/#i_18196
 48. Biens que le mari assignait à sa femme pour en jouir si elle lui survivait. (Le douaire fut aboli par la Révolution.) (Dictionnaire de l'Academie Francaise. (1835). 7ème édition)

49. "Dot au sens large : donation en vue du mariage" (Guillien, Raymond ; Vincent, Jean. (1990). *Lexique de termes juridiques*. Dalloz.p.192.)

۵۰. در حقوق انگلیس نیز قرابت رضاعی فاقد اثر حقوقی است و معادل کارکردی برای آن وجود ندارد و تنها با عنوان «Suckling» گرده برداری شده است.

۵۱. معادل کارکردی برای نکاح منقطع در حقوق انگلیس وجود ندارد و گرده برداری آن « Temporary Marriage» است.

52. Le mariage temporaire ou l'union provisoire ou le mariage de jouissance

۷. منابع

- آقاگل زاده، ف.، فرازنده پور، ف.، و گلفام، ا. (۱۳۸۹). تحلیل زبان شناختی آرای قضائی براساس الگوی خلاق: رویکرد حوزه زبان شناسی حقوقی. *جستارهای زبانی*، ۱، ۱۱-۲۷.
- اسماعیلی، م.، و مهاجرانی، ع. (۱۳۹۵). ماهیت و الگوی تعریف در مفاهیم حقوقی. *پژوهش نامه حقوق اسلامی*، ۱، ۲۷-۴۹.
- امامی، س.ح. (۱۳۴۰). *حقوق مدنی*. ج ۴. تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- جعفری لنگرودی، م.ج. (۱۳۷۸). *ترمیمولوژی حقوق*. تهران: نشر گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، م.ج. (۱۳۸۶). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. ج ۳. تهران: نشر گنج دانش.
- صفایی، س.ح.، و امامی، س.ا. (۱۳۸۱). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: نشر میزان.
- فیض، ع.ر. (۱۳۸۳). *مبایذی فقه و اصول مشتمل بر بخشی از مسائل آن دو علم*. تهران: دانشگاه تهران.
- کاتبی، ح.ق. (۱۳۸۰). *فرهنگ حقوق فرانسه - فارسی*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- لطافتی، ر.، حسن زاده، ف.، و معلمی، ش. (۱۳۹۰). درک واقعیت فرهنگی متن در گذار از ترجمه. *جستارهای زبانی*، ۲، ۱۶۵-۱۸۳.
- محسنی، ا. (۱۳۹۵). *اشخاص و خانواده در قانون مدنی فرانسه: ترجمه کتاب نخست قانون مدنی فرانسه (مواد ۱ تا ۵۱۵)*. تهران: خرسندی.
- محمد محی الدین، ع. (۱۹۵۸). *الاحوال الشخصیه فی الشریعه الاسلامیه*. مصر.

References

- Abdelhadi, M. (1992). Political geography and legal translation, the problem of terminology [Géographie politique et traduction juridique, le problème de la terminologie]. *Terminologie et traduction*, n°2/3: Luxembourg, 43-57.
- Abolqasemi Fakhri, G. H. (2008). *Quran*[Le coran]. Iran : Qom, Ansarian publication.
- Agha Golzadeh, F., Farazandehpour, F., Golfam, A. (2010) . Linguistic analysis of judicial verdicts based on Khallaq pattern: A forensic linguistic approach. *Language Related Research* (Comparative Language and Literature Research), 1(1), 11-27. URL: <http://lrr.modares.ac.ir/article--2449-14-fa.html> .[In Persian]
- Bocquet, C. (2000). Legal Translation And appropriation By The Translator [Traduction Juridique Et Appropriation Par Le Traducteur. L'affaire Zachariae, Aubry Et Rau]. Publication of university of Geneva. <http://www.tradulex.com/Actes2000/bocquet.pdf>
- Bocquet, C. (2008). *Legal translation. Basis and method* [La traduction juridique. Fondement et méthode]. Bruxelles : De Boeck.
- Cary, E. (1985). *How should we translate* [Comment faut-il traduire?]. France: Lille university press.
- Chebel, M. (2009). *Quran* [Le coran]. Fayard publication.
- Chouraqui, A. (1990).*Quran* [Le coran : l'appel]. Robert Laffont publishing.
- Emami, S.H. (1961). *Civil law*. Vol. 4. Tehran: Islamiyeh Bookshop. [In Persian]
- Esmaeli, M., & Mohajerani, A. (2016). Essence and model of definition in Legal concepts. *Islamic law review*. 1(43), 27-49. Doi: 10.30497/law.2016.1836. [In Persian]
- Feyz, A. (2004). *Principles (Mabadi) of Fiqh and Osul: Including Some of the Issues of Those Two Sciences*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Gémar, J-C. (1979). Legal translation and its teaching: theoretical and practical

aspects [La traduction juridique et son enseignement: aspects théoriques et pratiques]. *Meta*, vol.24. n° 1, 35-53.

- Gémar, J-C. (1988). Legal translation: art or technique of interpretation [La traduction juridique : art ou technique d'interprétation]. *Meta*, vol.33, no 2, 304-318.
- Gémar, J-C. (2001). The discourse of the legislator in a multilingual situation: Translate or co-draft the laws? [Le discours du législateur en situation multilingue: Traduire ou corédiger les lois?]. *Leges*, 12 (2001) 3.
- Gémar, J-C. (2003). The legal translator and cultural asymmetry. Language, law and culture [Le traducteur juridique et l'asymétrie culturelle. Langue, droit et culture], *La Traduction certifiée et l'interprétation judiciaire*. In E. De La Fuente (Ed.), *La Traduction certifiée et l'interprétation judiciaire* (pp. 231–243). Paris : International Federation of Translators.
- Gémar, J-C., Kasirer, N. (2005). *Jurilinguistics: between languages and laws* [La jurilinguistique: entre langues et droits]. Montreal: Themis.
- Gémar, J-C. (2015). From legal translation to jurilinguistics: the quest for equivalence [De la traduction juridique à la jurilinguistique : la quête de l'équivalence]. *Meta*. Vol.60. Issue 3,476-493.
- Gémar, J-C (2019). Jurilinguistic analysis in translation, exercise of comparative law [L'analyse Jurilinguistique En traduction, Exercice de Droit Comparé. Traduire La Lettre ou «L'esprit des Lois»? Le Cas du code Napoléon]. *Comparative Legilinguistics*. 37(1):9-61
- Ginsburg, T. & Stephanopoulos, N. (2017). The concepts of law, *University of Chicago Law Review*: Vol. 84. Issue 1. Article 8.
- Guillien, R.; Vincent, J. (1990). *Lexicon of legal terms* [Lexique de termes juridiques]. 8th ed. Paris: Dalloz.
- Masson, D. (1967). *Quran* [Le coran]. Paris : Gallimard.

- Jafari-Langroudi, M.J. (2007). *Mabsoot in Terminology of Law*. Vol.3. Tehran: Ganj Danesh. [In Persian]
- Jafari-Langroudi, M.J. (1999). *Terminology of Law*. Tehran: Ganj Danesh.
- Katebi, H.GH. (2001). *Dictionary of Law: French-Persian*. Tehran: Ganj Danesh. [In Persian]
- Letafati R, Hassanzadeh F, Moallemi S. (2011). The perception of cultural reality in translation. *Language Related Research*. 2(2):165-183. URL: <http://lrr.modares.ac.ir/article-14-12224-fa.html>. [In Persian]
- Mohammad Mohye-din, A.H. (1958). *Al Ahval Shakhshie Fi Shariyat Islamiyah*. Egypt: Maktab Tejari Kobra. [In Persian].
- Mohseni, E. (2016). *Persons and Family in Civil Law of France: Translation of First Book of Civil Law of France*. Tehran: Khorsandi. [In Persian].
- Nida, E. Charles. A. Taber, R. (1982). *The theory and practice of translation, with special reference to Bible translating*. Leiden : Brill.
- Safaei H.& . Emami, A. (2002)[1381]. *A Concise Family Law*. Tehran: Mizan.
- Xémard, C.B. (2014). *Civil Law: Persons, Family* [Droit civil, Les personnes, La famille]. 2th ed. Lextenso Edition. Gualino, coll. Tweet cours.